www.jamejamdaily.ir
جام جم
jamejamdaily.ir
۵
ویژه فرهنگ - هنر
رسانه - جامعه
دوشنبه ۱۹ تیر ۱۴۰۲

«پاپ کره‌ای» و تبعات اجتماعی آن را بررسی کرده‌ایم

سندرم سلبریتی پرستی «کی پاپ»

۱۱

رسانه

گفت‌وگو با تورج نصر به بهانه نیم‌قرن فعالیت در حوزه دوبله و بازیگری

بازی در ۳ نقش متفاوت سریال سلمان فارسی

۶

فرهنگ

گفت‌وگوی «جام جم» با افشین علا در روز ملی ادبیات کودک و نوجوان

ادبیات کودک در دام سلیقه مخاطب!

۸

سینما

جای خالی سازمان سینمایی و یکه‌تازی معاندین

توری که برای سینمای ایران پهن شده

۱۰

زاویه دید

سپیده اشرفی | گروه رسانه

«جام جم» در گفت‌وگو با مهدی نقویان رویکرد جدید مرکز سیما فیلم را بررسی کرد

تنوع ژانرها و چابک‌سازی تولید

از زمانی که محورهای طرح تحول صدا و سیما مطرح شد، مساله تقویت نقش قرارگاهی رسانه ملی هم بیشتر از قبل در دستور کار قرار گرفت. این نقش قرارگاهی به معنای تمرکز و تجمیع فعالیت‌ها و سرعت‌بخشی به تولید است. در چند وقت اخیر، گمانه‌زنی درباره تجمیع گروه فیلم و سریال شبکه‌های مختلف در مرکز سیمافیلم مطرح شد تا این که خبر تشکیل گروه‌های جدید در این مرکز به جای گروه‌های فیلم و سریال شبکه‌ها به طور رسمی از سوی روابط عمومی معاونت سیما اعلام شد. به نظر می‌رسد که این هدف را هم باید در راستای همان سیاست‌های دوران تحولی و سرعت‌بخشی به انتشار آثار روی آنتن دانست. مهدی نقویان از زمانی که سکاندار مرکز سیمافیلم شده، تلاش کرده با اهداف دوران تحولی جلو برود و حال و هوای تازه‌تری به این حوزه بدهد. رئیس مرکز سیمافیلم پس از تغییرات ساختاری در این مرکز برای چهار گروه جدید شامل تولیدات گونه‌های (ژانر) متنوع حکم سرپرستی صادر کرد. او در گفت‌وگوی خود با «جام جم» از جزئیات این طرح و تلاش مرکز سیمافیلم برای تحقق اهداف تحولی گفت.

سلمان فارسی

طلاق

رستگاری

ابتدا بفرمایید که هدف از تمرکز گروه‌های فیلم و سریال در سیمافیلم چیست و انتقال این مدیران از گروه‌های شبکه‌ها به داخل مرکز قرار است چه اتفاق ویژه‌ای را رقم بزنند؟

هدف از تمرکز تولید سریال در سیمافیلم، از بین‌بردن بروکراسی اداری اضافه، چابک‌سازی فرآیند تولید، مدیریت واحد پروژه‌ها، همسان‌سازی قیمت‌ها و حذف خیلی دیگر از مسائل اضافی بوده که در تولید یک سریال صورت می‌گرفت. البته ایجاد تمرکز در دوران تحول صداوسیما فقط مختص سریال‌ها نیست. در زمینه‌های دیگر تولیدی هم ایجاد تمرکز در دستور کار بوده یا در حال انجام است. مثلا در مرکز فیلمنامه شاهد تمرکز نگارش فیلمنامه بودیم، در مرکز سیمرغ تولید سیتکام و تولیدات مغفول‌مانده متمرکز می‌شود و در مرکز آثار کوتاه، شاهد متمرکزشدن میان‌برنامه‌ها، کلیپ‌ها و دیگر آثار کوتاه هستیم.

برخی صحبت‌هایی که درباره این تمرکزگرایی شنیده می‌شود، معطوف به یک تجربه قبلی است. ما در سال‌های قبل شاهد اتفاقی مشابه در تغییر ساختار بودیم که برخی معتقدند شکست خورد. آیا ممکن است این تجربه مجددا تکرار شود و اشکالات احتمالی آن چطور قرار است برطرف شود؟

این را در نظر داشته باشید که هیچ‌وقت این ادغام به‌طور کامل رخ نداده بود. در واقع آرزوهایی بود که تحقق پیدا نکرده بود. تا قبل از آن، این اتفاق به‌صورت مقطعی و ناقص اجرایی شده بود ولی هیچ‌وقت به‌صورت کامل عملیاتی نشد. به‌خاطر همین هم بود که بعد از مدتی به حالت قبل برمی‌گشت و به‌زعم برخی دچار شکست می‌شد. اما این‌بار ساختار تولید سریال به‌صورت کامل در مرکز سیمافیلم تجمیع شد و ساختار موازی دیگری وجود نخواهد داشت. به همین دلیل این اتفاق را یک امر مثبت و نتیجه‌بخش ارزیابی می‌کنیم.

به نظر می‌رسد شما در کنار هدف تمرکززدایی، به فکر سرعت سریال‌سازی و به‌موقع‌رسیدن آثار به آنتن هم هستید. این تصمیم تازه را چقدر با این هدف در ارتباط می‌دانید؟

بله، قطعا تجمیع تولید سریال در یک مرکز، به سرعت تولید هم کمک خواهد کرد. تهیه‌کنندگان دچار بروکراسی اضافی اداری نخواهند شد و مراحل مختلف تولیدی با دقت بهتر و سرعت بیشتر به جلو خواهد رفت.

به نظر می‌رسد که در فاز جدید، برنامه مشخص‌تری برای بخش طنز هم دارید. به هر حال آثار طنز نیاز جدی مخاطب امروز است و نیاز به توجه به این بخش هم احساس می‌شود. آیا گروه مستقلی که در این حوزه ایجاد شده، به جدی‌ترشدن تولید آثار طنز کمک خواهد کرد؟

باید به این نکته اشاره کنم که از مزایای این ادغام، افزایش تنوع ژانر در تولیدات سریال‌هاست. چراکه در ساختار جدید، علاوه بر گروه الف ویژه، چهار گروه تولیدی دیگر به نام‌های تاریخی، اجتماعی، حادثه‌ای و طنز نیز شکل می‌گیرند که خودشان شامل زیرمجموعه موضوعی متنوعی هستند.

نگاه

تغییرات ساختاری در مرکز سیما فیلم

مهدی نقویان در احکامی جداگانه برای چهار گروه جدید تولیدات تاریخی، اجتماعی، طنز و حادثه‌ای سرپرست منصوب کرد. طی این احکام غلامرضا الماسی به سمت سرپرست گروه تولیدات تاریخی، بهرنگ ملک‌محمدی به سمت سرپرست گروه تولیدات اجتماعی، مهدی خلجی به سمت سرپرست گروه تولیدات حادثه‌ای و مسعود کریمی به سمت سرپرست گروه تولیدات طنز منصوب شدند. شایان ذکر است که در تغییرات ساختاری جدید، این چهار گروه تخصصی در گونه‌های متنوع نمایشی در مرکز سیمافیلم به جای گروه‌های فیلم و سریال شبکه‌های یک، ۲ و ۳ و گروه فیلم و سریال سیمافیلم به فعالیت ادامه می‌دهند. همچنین با حکم نقویان، مرسده نیک‌بخش به عنوان سرپرست طرح و برنامه و جواد آقازاده به مشاورت در امور اجرایی و تولیدات مرکز سیمافیلم منصوب شدند. اداره کل فیلمنامه و باشگاه فیلمنامه‌نویسان نیز که پیشتر ذیل مرکز سیمافیلم فعال بود، جزو ساختار دفتر اداره کل فیلمنامه رسانه ملی قرار گرفته است.

دوشنبه‌نوشته‌ها

محمدتقی فهیم | منتقد سینما

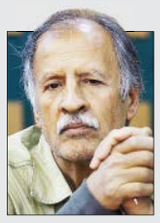

پول فارابی هلو، نامش لولو!؟

رسانه‌ها را رکن مهمی از دموکراسی خوانده‌اند. همچنین گفته‌اند و خوانده‌ایم که خبرنگاران چشم و گوش بیدار جامعه هستند. رسانه‌ها وظیفه خطیری در زمینه روشنگری به منظور کاهش آسیب‌ها و بهبود اوضاع اجتماعی دارند. خبرنگاران شاخک‌هایشان نسبت به هر نوع کم و کسری و سوء استفاده شهروندان، نهادها، ارگان‌ها و کلاقدرت‌های شیوع‌دهنده بی‌وجدانی و تحرکات ضدوطنی حساس است.

اگر بستر قانونی و محیط امن فعالیت فراهم نباشد، بی‌تردید بخش اعم حضور موثر خبرنگاران به انفعال تبدیل می‌شود. از همین رو برای تامین امنیت و مصونیت آنها قانون مطبوعات در مجلس به تصویب رسیده و درباب ارزشگذاری آن باید گفت که دست کمی از قانون اساسی ندارد. حالا در نظر بگیرید چنانچه مدیر یا دستگاهی رویه پنهانکاری و عدم اعلام سیاست‌ها و فعالیت‌هایش را از نظر خبرنگاران دور بدارد، آیا در نفس قضیه فرقی با ممانعت‌های بسیار دیگر وجود دارد؟ در واقع فرار مدیران و مسئولان از دادن اطلاعات لازم نوعی بی‌قانونی محسوب می‌شود، حالا این امتناع هر اسمی می‌خواهد روی آن گذاشته شود، مثلا توسعه ملی، رونق تولید، حمایت از... هیچ تمایزی با ایجاد سد در برابر انتشار خبرهای مختلف ندارد. (البته بخشی از اطلاعات که در چارچوب امنیت ملی و باعث استفاده‌های نامشروع دیگران می‌شود سر جای خودش که این فقره توسط خود دستگاه‌های مربوط نظارت می‌شوند). مثلا در نظر بگیرید هفته گذشته سرپرست معاونت فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی، حرف‌هایی در زمینه حمایت و غیره زده بود (محتوایش در اختیار رسانه‌ها نیز قرار گرفت) که به نظر چیزی جز پنهان‌کاری‌های اتفاقا علیه منافع ملی و خصوصا حقوق مخاطبان و در راستای نقض رابطه معقول فیمابین نهادها و رسانه‌ها تلقی می‌شود. نمی‌خواهم از کلمه «شفافیت» استفاده کنم و شعارهایی چون «مدیریت دراتاق شیشه‌ای» و غیره که در دوران مدیریت سینمایی دولت قبلی چنان دستمالی و مبتذل شد که حرف زدن درباره‌اش چیزی جز وهن به شمار نمی‌رفت. در واقع تداوم شعارهای شفافیت، دقیقا به مستمسکی برای پیشبرد امور به دلخواه خود و جناح مرتبط و قدرت‌های در سایه مدیریت سینما تبدیل شده بود. برای این‌که از موضوع دور نیفتیم، بخشی از صحبت‌های مسعود احمدیان را مرور کنیم: دنبال آن نیستیم همه تولیداتی را که مورد حمایت قرار می‌دهیم به عنوان محصول فارابی معرفی کنیم. چرا آقای مدیر؟ چرا نباید از بدو ثبت نام فلان فیلمنامه‌نویس، رابطه فیمابین اعلام نشود، حتی موظفید رویکرد کلان محتوایی اثر را نیز و سهم طرفین را در اختیار رسانه‌ها قرار دهید تا کارشناسان رسانه نیز با نقد و بررسی اشتباهات احتمالی تصمیمات گرفته شده پشت درهای بسته را به مسیر بهتری هدایت کنند. احمدیان بقیه‌اش را با یک گرایش فاجعه مدیریتی ادامه می‌دهد: وظیفه فارابی حمایت از توسعه سینمای ملی ایران است. بسیاری از فیلم‌ها و فیلمنامه‌ها جهت ارتقا در فارابی مورد حمایت قرار می‌گیرند و نامی از فارابی در آن اثر به عنوان مشارکت‌کننده یا صاحب فیلم ذکر نمی‌شود که برخی از آثار مورد حمایت فارابی در سال گذشته از همین جنس هستند. دو حالت بیشتر ندارد یا افرادی حاضر به کار با فارابی نیستند مگر این‌که اسم این نهاد دولتی پشت آن نباشد یعنی برای این عده پول فارابی هلوولی نام آن لولواست. حالت دوم این که مدیریت فارابی از مواجهه با انتقادات آثار ضعیف مورد حمایت‌شان وحشت دارند که هر دو حالت نشاندهنده یک معضل جدی نهادینه شده بر تاروپود بنیاد سینمایی فارابی است. واقعیتی که باید فکری برای آن کرد.